



نظام اسلامی توقف ندارد

اصول و معیارهای برگزیده شدن ولی فقیه توسط مجلس خبرگان

از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای عجله



«امام خمینی (رحمة الله عليه): «ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است؛ همان ولایت رسول الله است.»»

«حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای: «نظام اسلامی و انقلاب اسلامی وابسته‌ی به شخص نیست؛ اشخاص نقش دارند، مأموریت‌هایی دارند که باید انجام بدهند، نقش‌های مهمی دارند که بایستی ایفا کنند آن نقش‌ها را، لکن نظام به آنها وابسته نیست و میتواند به راه خودش ادامه بدهد، ولو آن شخص معین در میان آنها نباشد.»» (۱۴۰۳/۸/۱۷)

❖ خلأ رهبری ایجاد نمی‌شود

چهاردهم خرداد ۱۳۶۸ روزی خاص در تاریخ انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است؛ روزی که دشمنان با طمع به آن چشم دوخته بودند تا از خلأ رهبری در نظام اسلامی نهایت استفاده را ببرند، اما خواست الهی از مسیر عملکرد و اقدام بهنگام مجلس خبرگان رهبری معادله‌ی دیگری رارقم زد: «همه‌ی چشم‌ها به ایران دوخته شده بود که امام بزرگوار ما، کی از دست این مردم گرفته شود. برای آن روز، نقشه‌ها کشیده و امیدها بسته بودند! ده سال منتظر آن روز نشسته بودند که فرا برسد. روز چهاردهم خرداد ۱۳۶۸ از نظر دشمنان این ملت و دشمنان انقلاب، یک روز بسیار مهم و تعیین کننده بود. مجلس خبرگان نگذاشت این خلأ به وجود آید.» لذا علت مخالفت و دشمنی دشمنان مستکبر با مجلس خبرگان همین ایفای نقش منحصر به فرد برای جلوگیری از شکل‌گیری خلأ رهبری در نظام اسلامی است: «علت مخالفت دشمنان مستکبر جهانی با مجلس خبرگان این است. این سرعت عمل و این میدان‌ندادن به توطئه‌های دشمن، برای دنیا خیلی مهم بود. برای این است که با مجلس خبرگان مخالفتند. نه، این طور نیست که اثر مجلس خبرگان آشکار نشده است؛ بعکس، چون اثر مجلس خبرگان آشکار شده و در برهه‌ای چنین

کار مهمی را علیه دشمن انجام داده است، این قدر با آن مخالفند.»
(۱۳۷۷/۷/۲۹)

❖ حفظ جهت‌گیری انقلابی نظام؛ مهم‌ترین وظیفه‌ی رهبری

«رهبری نقطه‌ی اساسی نظام اسلامی است.» (۱۳۸۶/۶/۱۵) دلیل این محوری و اساسی بودن رهبری در جمهوری اسلامی این است که «مهم‌ترین وظیفه‌ی رهبری، رصد و حفظ حرکت کلی و حرکت بخش‌های مهم نظام در جهت انقلاب است تا زاویه‌ای از مسیر اصلی پیش نیاید و انقلاب اسلامی مثل انقلاب‌های دیگر منحرف نشود.» (۱۴۰۱/۱۲/۴) در حقیقت، «وظیفه‌ی رهبری آنجایی است که احساس کند یک حرکتی دارد انجام می‌گیرد که این حرکت، مسیر نظام را دارد منحرف می‌کند. اینجا وظیفه‌ی رهبری است که بیاید در میدان و به هر شکلی که ممکن است، بایستد و نگذارد؛ ولو مورد جزئی باشد.» (۱۳۹۵/۴/۱۲) «در واقع، رهبری، یک مدیریت کلان ارزشی است. همین طور که اشاره کردم، گاهی اوقات فشارها، مزیقه‌ها و ضرورت‌ها، مدیریت‌های گوناگون را به بعضی از انعطاف‌های غیر لازم یا غیر جایز و ادا می‌کند؛ رهبری بایستی مراقب باشد، نگذارد چنین اتفاقی بیفتد. این مسئولیت بسیار سنگینی است.» (۱۳۹۰/۷/۲۴)

البته این حفظ حرکت صحیح و بدون انحراف انقلاب، در نسبت با «حفظ جهت‌گیری به سمت هدف انقلاب» معنا می‌یابد: «در شاکله‌ی نظام اسلامی، جایگاه رهبری عمدتاً برای حفظ جهت‌گیری به سمت هدف انقلاب است؛ این عمده‌ی مسئولیت رهبری است. انقلاب برای یک هدفی به وجود آمده است. هدف انقلاب اسلامی عبارت است از محقق

کردن «توحید» در زندگی مردم در کشور... برای اینکه جامعه‌ی اسلامی به این هدف نزدیک بشود و یک جامعه‌ی توحیدی به وجود بیاید، تلاشهایی لازم است و موانعی وجود دارد. همیشه در راه حرکت به سمت این هدف موانعی پیش می‌آید، انگیزه‌هایی وجود دارد برای جلوگیری از این حرکت؛ انگیزه وجود دارد. این انگیزه‌ها متوجه این است که نگذارند انقلاب و نظام به سمت هدف خودش حرکت کند و پیش برود و توفیق پیدا کند؛ [میخواهند] آن را متوقف کنند بلکه به عقب برگردانند... یک عاملی لازم است برای اینکه جلوی این [عقب‌گرد] را بگیرد؛ در نظام اسلامی، این عامل «جایگاه رهبری» است؛ بایستی جلوی این انحراف به وسیله‌ی رهبری گرفته بشود؛ این خیلی اهمّیت دارد؛ خیلی اهمّیت دارد! بنابراین، اهمّیت مجلس خبرگان به خاطر این است که متصدّی تعیین مأمور برای این مأموریت بسیار مهم است.» (۱۴۰۳/۸/۱۷)

بر این اساس، نقش مجلس خبرگان نقشی بی‌بدیل است که عامل حرکت بدون وقفه‌ی جمهوری اسلامی است: «وضع مجلس خبرگان و جعل مجلس خبرگان، معنایش این است که حرکت نظام اسلامی توقّف ندارد؛ یعنی در او وقفه حاصل نمیشود، به وجود نمی‌آید؛ مجلس خبرگانی وجود دارد که نفر بعد او [رهبری] را مشخص کند؛ یعنی این تسلسل همچنان با قوّت، با قدرت، با توانایی کامل وجود خواهد داشت؛... اگر این شخصی که وجود دارد نبود، بی‌درنگ مجلس خبرگان اقدام میکند و نفر بعد را مشخص میکند.» (۱۴۰۳/۸/۱۷)

❖ معیارهای اسلامی و انقلابی انتخاب رهبر

اما مجلس خبرگان برای ایفای نقش منحصر به فرد خود در تداوم حرکت

انقلاب و نظام اسلامی و انجام صحیح وظیفه‌ی اساسی خود که تعیین رهبری در بزنگاه مورد نیاز است، باید بر اساس معیارهای درست و دقیقی حرکت کند. اولین نکته‌ی مهم در این زمینه این است که خبرگان ملت در انتخاب رهبر باید خدا را در نظر بگیرند: «در انتخاب رهبر آینده، ملاحظه‌ی خدا را بکنید. آن وقتی که بنا است رهبر انتخاب بشود، ملاحظات و رودربایستی‌ها را کنار بگذارند؛ خدا را در نظر بگیرند، وظایف را در نظر بگیرند، نیاز کشور را در نظر بگیرند؛ برای این اساس رهبر انتخاب بشود.» (۱۳۹۴/۱۲/۲۰)

نکته‌ی کلیدی دیگر، مراقبت نسبت به «اصول جمهوری اسلامی» در انتخاب‌های این مجلس است: «مجلس خبرگان در گزینشها و انتخابهایی که خواهد داشت، این را باید مراقبت بکند که اصول ثابت جمهوری اسلامی مورد غفلت قرار نگیرد؛ این خیلی مهم است؛ یعنی انتخاب رهبری با رعایت و ملاحظه‌ی اصول ثابتی باشد که در جمهوری اسلامی، آن اصول جزو مسلمات و ثوابت است. یک اصول ثابت داریم که اینها دیگر قابل تغییر نیست. در قانون اساسی میشود این اصول را پیدا کرد، در بیانات امام راحل (رضوان الله علیه) میشود این اصول را پیدا کرد، در معارف اسلامی هم میشود این اصول را پیدا کرد؛ اینها بایست ملاحظه بشود. مثل اقامه‌ی عدل، مثل مبارزه‌ی با فساد، مثل بالا بردن سطح معرفت اسلامی، سطح عمل اسلامی در جامعه؛ اینها اصول ثابتی است که غیر قابل تغییر است.» (۱۴۰۲/۱۲/۱۷)

انتخاب رهبر بر اساس شرایط ذکر شده در قانون اساسی، یکی دیگر از معیارهای کلیدی است. در این زمینه، یکی از مهم‌ترین شرایط «اعتقاد

راسخ به هدف و مسیر انقلاب» است: «مجلس خبرگان بایستی در گزینش خودش، نهایت دقت و توجه را به کار ببرد؛ نهایت دقت و توجه باید به کار برود. در قانون اساسی، شرایطی برای رهبری ذکر شده که خب معلوم است؛ یکی از مهم‌ترین این شرایط عبارت است از اعتقاد قلبی راسخ به مسیر انقلاب و هدف انقلاب؛ این اعتقاد باید وجود داشته باشد. آمادگی برای حرکت مستمر بدون خستگی بی وقفه‌ی در این راه باید در کسی باشد تا شایسته‌ی این مسئولیت باشد؛ باید اینها را در افراد تشخیص داد، و انتخاب کرد.» (۱۴۰۳/۸/۱۷)

در امتداد این معیارها، «استقلال فکری و اسیر کلیشه‌های تحمیلی نظام سلطه نشدن» یکی دیگر از موارد بسیار مهم است: «[در انتخاب رهبر توسط خبرگان،] دقت‌های لازم و استقلال فکری بایستی به طور کامل مراعات بشود. مجلس خبرگان بایستی استقلال فکری داشته باشد. اسیر کلیشه‌های تحمیلی نظام سلطه نباید بشود.» (۱۳۹۴/۶/۱۲)

معیار کلیدی دیگر اینکه در این انتخاب رهبری، عنصر «فقه و ارزش‌های اسلامی» جایگاهی بنیادین دارد: «[انتخاب رهبری] تفاوتش با سایر انتخاب‌های جمعی این است که اینجا ملاک و معیار عبارت است از فقه؛ یعنی ارزش‌های اسلامی. بنابراین، انتخاب آنها انتخابی است برای حاکمیت ارزش‌های اسلامی، برای اجرای احکام اسلامی، برای تحقق اسلام در واقعیت زندگی.» (۱۳۹۴/۶/۱۲)

نکته‌ی پایانی در این زمینه اینکه در اصل یکصد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز شرایط و صفات رهبر به روشنی مشخص شده

است. بر اساس این اصل، سه مورد «صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه»، «عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام» و «بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری»، معیارهای اصلی در تعیین رهبر هستند.

❖ سکینه و آرامش در دل های مؤمنین

بر اساس آنچه گذشت، مجلس خبرگان رهبری نهادی بی بدیل در ساختار حاکمیتی جمهوری اسلامی است: «مجلس خبرگان به لحاظ مفهومی، به لحاظ آن عنوانی که در قانون اساسی و در نظام تعریف شده، یکی از انقلابی ترین نهادهای جمهوری اسلامی است. منظورم از «انقلابی ترین»، مرتبط ترین است با انقلاب اسلامی؛ این [مجلس] به این معنایکی از انقلابی ترین نهادهای انقلابی است. علت این تعبیر که میگوییم «انقلابی ترین است»، نقش این مجلس است در گزینش رهبری؛ این خیلی کار مهمی است، نقش منحصر به فردی است و بحمد الله مجلس خبرگان آماده است برای این نقش.» (۱۴۰۳/۸/۱۷) لذا «مجلس خبرگان باید انقلابی بماند؛ باید انقلابی فکر کند و انقلابی عمل بکند.» (۱۳۹۴/۱۲/۲۰)

نکته‌ی پایانی اینکه منتخبان مردم در مجلس خبرگان با اقدام بهنگام و از سر بصیرت و تقوای خود و با مبنا قرار دادن معیارهای اساسی اسلام و تفکر انقلابی، در واقع، زمینه ساز تداوم حرکت مستمر انقلاب کبیر اسلامی و تقویت میراث سترگ برجای مانده از امام خمینی (رحمة الله علیه) و رهبر شهید انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای می‌شوند؛ و این گونه زمینه‌ی انزال سکینه‌ی الهی در جامعه‌ی اسلامی

فراهم می‌شود: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَ لِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ كَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا...»
مجلس خبرگان میتواند مظهر تام و تمام این انزال سکینه‌ی الهی باشد؛ چون این انزال سکینه‌ی الهی از نشانه‌های ایمان است: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ؛ این سکینه‌ی الهی، مایه‌ی ازدیاد ایمان و مایه‌ی تقویت ایمان است. معنای سکینه هم آرامش در مقابل تلاطم است؛ حوادث گوناگون، خبرهای گوناگون، دشمنی‌ها، وضعیتهای مختلف، در روح انسانها به طور طبیعی تلاطم ایجاد میکند. این آرامش، خیلی از اوقات، مایه‌ی استقرار فکر و ذهن و استقامت در طریق میشود. خدای متعال این سکینه را، آرامش را به مؤمنین میدهد به برکت ایمانشان و به آنها خاطر جمعی میدهد که «وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ». از چه انسان و همه‌کند؟ همه‌ی نیروهای زمین و آسمان، همه‌ی سنن طبیعت، جنود الهی هستند و متعلق به خدایند؛ اگر ما مؤمن باشیم، اگر ما بنده‌ی خدا باشیم، این نیروها در خدمت مؤمنین قرار میگیرند.... وقتی این مجلس تشکیل میشود و آمادگی خود و استقلال فکری خود و آگاهی خود را نشان میدهد، این موجب سکینه و آرامش در دل‌های مؤمنین میشود؛ در واقع، این سکینه‌ی الهی، سرریز میشود از این مجلس به داخل جامعه.» (۱۳۹۴/۶/۱۲)

